

به وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری



حمزه‌نوذری

جامعه‌شناس واستاد دانشگاه

می‌دانیم که نسل جدیدی وارد دانشگاه‌ها می‌شوند؛ نسلی که اتفاقات زیادی از سر گذرانده یا شاهد آن بوده است. نسلی که اغلب از واژه‌ت‌رایی استفاده می‌کند. آنها اغلب ترابیس‌ت دارند. اما چرا ترایی؟ فقط به این دلیل که ترابیس‌ت به سخنان آنها بدون هرگونه برجسب، نصیحت و پیش‌داوری گوش می‌دهد. این یعنی نه در خانه، نه مدرسه و نه در دانشگاه دیده و شنیده نشده‌اند. دغدغه‌ها، نگرانی‌ها و ترس‌هایشان ناگفته مانده است. نسلی که اخیرا وارد دانشگاه شده یا در حال ورود به دانشگاه است، در نوجوانی با حوادث دردناکی مانند کرونا و ماندن در خانه در حساس‌ترین روزهای زندگی مواجه بوده است. آنها تارامی‌های ۱۴۰۱ را دیده‌اند. جدال در عرصه عمومی و خیابان بر سر پوشش را دیده یا تجربه کرده‌اند. تهاجم ۱۲روزه به کشور را درک کرده‌اند. خیلی از آنها تا صبح از صدای بمب‌ها چشم روی هم نگذاشته‌اند و با نگرانی می‌پرسیدند چه می‌شود. با وجود شرایط سخت و دشوار بسیاری از آنها میهن‌دوستی را به نمایش گذاشتند. امروز هم در روزهای جوانی نگران از کافی‌نودن آب و برق دچار فشارهای زیادی هستند. به آنها گفته‌اند اگر وارد دانشگاه شوید، حالتان بهتر می‌شود. بیایید نگذاریم با ورود به دانشگاه تجربه‌های تلخ بیشتری داشته باشند. آنها احترام و منزلت می‌خواهند؛ نگذاریم هرکسی هرگونه فکر می‌کند درست است، در محیط دانشگاه با فرزندان این سرزمین برخورد کند و هرکسی به خودش حق دهد هرگونه می‌خواهد با آنها رفتار کند. لیخند دانشجویان در این زمانه خیلی مهم است؛ سعی کنیم به صورت این جوانان لبخند بیاوریم. دانشگاه همیشه در ایران پیشگام بوده، اما امروز احساس می‌شود از جامعه عقب افتاده است. احساس می‌شود رخدادهای نو و تحول‌آفرین در دانشگاه بسیار محدود شده‌اند.

یادداشت

بی‌اعتمادی و «مسئله تعهد»

چرا مذاکرات ایران و آمریکا به بن‌بست می‌رسد؟



افشین حبیب‌زاده

در جدیدترین تحلیل‌های منتشرشده درباره تنش‌های اخیر میان ایران و آمریکا، نشریات بین‌المللی ازجمله فارن‌افز به مسئله‌ای بنیادین در روابط دو کشور پرداخته‌اند: «مسئله تعهد» (Commitment Problem)؛ مفهومی که از سوی جیمز فیرون، نظریه‌پرداز روابط بین‌الملل، مطرح شده است. براساس این نظریه، در شرایطی که دو طرف به‌ظاهر علاقه‌مند به دستیابی به توافق هستند، اما به دلیل بی‌اعتمادی عمیق و انگیزه‌های داخلی و ساختاری، در نهایت حاضر به اجرای تعهدات خود نمی‌شوند. این واقعیت اکنون در روابط ایران و آمریکا نیز به‌وضوح دیده می‌شود. بررسی تاریخ روابط دو کشور نشان می‌دهد که بی‌اعتمادی ایران به آمریکا نه احساسی، بلکه ریشه‌دار و بر پایه تجربه‌های ملموس تاریخی و سیاسی است. از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام و حمله اخیر به تأسیسات هسته‌ای، مجموعه‌ای از رفتارهای متناقض و پیش‌بینی‌ناپذیر، مسیر اعتمادسازی را مسدود کرده‌اند. در ذیل به خلاصه‌ای از این تجارب و بی‌اعتمادی پیش‌آمده و برخی پیشنهادهای مطرح‌شده تاکتون، می‌پردازم.

۱- گذشته‌ای پرزخم: از کودتا تا تحریم

ایران تجربه‌های تلخی را تعامل با ایالات متحده آمریکا دارد که نمی‌توان از آنها چشم‌پوشید. یکی از مهم‌ترین این تجربه‌ها، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است که با حمایت مستقیم آمریکا و بریتانیا علیه دولت قانونی دکتر محمد مصدق انجام شد. این اقدام، نخستین مداخله رسمی آمریکا در امور داخلی ایران بود و سرازاری برای چند دهه نفوذ و دخالت آمریکا در ساختار قدرت در ایران شد. پس از این کودتا، آمریکا حامی اصلی رژیم پهلوی شد؛ از تجهیز ساواک و تقویت سرکوب مخالفان گرفته تا بهربرداری اقتصادی و فرهنگی، که در نهایت موجب شکل‌گیری نوعی خشم و

مقاومت ملی علیه سلطه خارجی شد. این خشم سرانجام در انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ بروز یافت؛

دوشنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۴
۱۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۷
۸ سپتامبر ۲۰۲۵
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۱۹۹
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

شرق

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: درد مزمن قیمت‌گذاری دستوری • به بهانه درگذشت هوشمند عقلیی؛ خواننده مردمان روزگار عادی • «باشو غریبه کوچک» بهترین فیلم بخش کلاسیک ونیز شد

رهبر انقلاب با قدردانی ویژه از رئیس‌جمهور و دولت:

معیشت مردم مهم‌ترین مسئله است



این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید. عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری

یک قاب تجربه

نغمه‌های داودی مرغ سحر خاموش نمی‌شود



جلیل سازگارنژاد

سرزمین خود به ارمان آورده تا افراد جامعه با حضور در این جشن‌ها به تفریحات سالم پرداخته و روان افسرده خود را شاد و خستگی فکری و جسمی را از تن و روح خویش دور سازند و اندکی از آلام و غم‌ها و رنج‌های خود را به فراموشی سپارند. جشن‌های محلی و قومی و مذهبی هنگامی که در جشن‌های ملی در هم تنیده می‌شوند و آن‌گاه که با موسیقی هم‌نوا و هم‌آوا می‌شود و با سازهای کهن دهم‌ساز می‌شود و به سرود ملی و خوانش همگانی می‌رسد، علاوه بر آثار و جنبه‌های ماندگار اخلاقی و اجتماعی و ترویج نشاط و سرزندگی که در جامعه بر جای می‌گذارد، پرتوی از ستایش

یادداشت

به صدادرآمدن زنگ‌های خطر در بازار کار ایران



زهرا کریمی

عضوهیئت‌علمی‌بازنشسته
دانشگاه‌مازندران

اجتماعی ازجمله سرقت، افزایش قاچاق، مصرف مواد مخدر و... همراه بوده است.

کاهش بهره‌وری نیروی کار

ذکر این نکته حائز اهمیت است‌که افزایش اشتغال در طول سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ به قیمت کاهش شدید بهره‌وری نیروی کار حاصل شده است. اعمال تحریم‌های بین‌المللی بسیار سخت‌گیرانه، شوک منفی شدیدی بر اقتصاد ایران وارد آورده است. در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ رشد تولید ناخالص داخلی و اشتغال به ترتیب ۱۳۰۴ و ۱۹۰۹ درصد بوده است. چون اشتغال سریع‌تر از تولید ناخالص داخلی رشد کرده، در نتیجه بهره‌وری نیروی کار معادل ۵۰۵ درصد کاهش یافته است. به سخی دیگر، برخلاف انتظار رشد تولید نیروی کار بر اثر تحولات تکنولوژی و بالارفتن سطح تحصیلات و مهارت‌های نیروی کار، از ابتدای دهه ۱۳۹۰ تاکنون تولید سرانه نیروی کار در ایران روندی نزولی داشته است. رشد درآمد ملی در فاصله سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۳ حدود ۱۰۰۸ درصد بوده که اگر سال‌های برجامی ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ در نظر گرفته نشود، متوسط رشد درآمد ملی به حدود ۰۰۵ درصد سقوط می‌کند، بنابراین اقتصاد ایران در این دوره توان ایجاد اشتغال مولد را از دست داده و مشاغل ایجادشده عموما بی‌کیفیت و با بهره‌وری پایین در مشاغلی مانند دست‌فروشی، پیک موتوری، راننده تاکسی‌های اینترنتی و معمولی و... بوده است. بر اثر شوک‌های مخرب و تورم بسیار بالا قدرت خرید بخش اعظم جمعیت کشور کم شده و حدود ۱۲ میلیون نفر بر تعداد جمعیت زیر خط فقر افزوده شده است. جدول ۱ تحولات حداقل مزد قانونی و میزان افزایش حقوق کارکنان دولت را در مقایسه با نرخ تورم در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ نشان می‌دهد.

گفت‌وگوی «شرق» با سها فخری

پس از کسب مدال طلای روئینگ آسیا

برای تمرین مجبور بودم

از کرمانشاه به تهران بیایم



برگزیده‌ها

«شرق» از قاطع نشست شورای حکام و بازگشت تحریم‌ها گزارش می‌دهد

بازی آخر در «وین»

مسعود نیلی: اقتصاد علم داده است نه میدان نزاع ایدئولوژیک

مکاتب اقتصادی و نقش آن در سیاست‌گذاری

گزارش «شرق» از کمبود واکسن یادآور

کمبود واکسن، این بار برای دانش‌آموزان

گزارش «شرق» از جرابی فعال‌نشدن نمایندگی بلتفرم‌ها در ایران

بهانه تازه برای ادامه فیلترینگ

رؤیای بیل کلینتون برای عضویت روسیه در ناتو به روایت اسناد محرمانه دهه ۱۹۹۰

اتحاد ناممکن

گزارشی از ممنوعیت ویزا و محدودیت‌های جدید آمریکا برای هیئت‌های دیپلماتیک ایران و فلسطین

چالشی از نیویورک تا ژنو

یادداشت

زنجیر گذشته، فرصت آینده



روزبه خسروخوار

اشتباه، بخشی جدایی‌ناپذیر از حکمرانی اقتصادی است. هیچ کشوری در جهان بدون خطا پیش نرفته است. آنچه کشورها را از یکدیگر متمایز می‌کند، نه نبود خطا، بلکه نحوه واکنش به آن است. برخی دولت‌ها با پذیرش خطا و اصلاح مسیر توانسته‌اند بحران‌ها را به سکوی پرش تبدیل کنند؛ در حالی که برخی دیگر با بافشاری بر سیاست‌های نادرست، منابع کمیاب را هدر داده و آینده را گروگان گذشته کرده‌اند.

چارچوب مطالعه

این مقاله به بررسی چگونگی واکنش کشورها به خطاهای اقتصادی می‌پردازد. پرسش اصلی این است: وقتی سیاست‌های اقتصادی به بحران منجر می‌شوند، دولت‌ها چه می‌کنند؟ دو الگو قابل مشاهده است:

الگوی نغسست: کشورهایی که خطا را پذیرفته و با اصلاحات ساختاری، بحران را به فرصتی برای بازسازی تبدیل کرده‌اند (مانند آلمان غربی، شیلی، هند و کره جنوبی).

الگوی دوم: کشورهایی که بر خطا بافشاری کرده و با تأخیر یا امتناع از اصلاح، هزینه‌های سنگینی را متحمل شده‌اند (مانند شوروی، ونزوئلا، آرتانتین، زیمبابوه و زاین). هدف، مقایسه این دو مسیر و استخراج نکات راهبردی برای سیاست‌گذاری امروز است.

بخش اول، پذیرش خطا و اصلاح مسیر

– آلمان غربی (پس از جنگ جهانی دوم)
پس از جنگ جهانی دوم، اقتصاد آلمان غربی با ویرانی زیرساخت‌ها، سقوط تولید صنعتی و بی‌اعتمادی عمومی روبرو بود. در سال ۱۹۴۸ دولت با معرفی مارک آلمان به‌عنوان واحد پولی جدید، آزادسازی قیمت‌ها و بازاریابی مالیاتی اصلاحات بنیادین را آغاز کرد. این اصلاحات سختگیرانه اما ضروری، ثبات پولی ایجاد کرد و سرمایه‌گذاری و تولید صنعتی را دوباره فعال کرد. نتیجه، جهش تولید و آغاز

«معجزه اقتصادی رابن» بود؛ رشدی که ظرف یک دهه اقتصاد ویران‌شده را به یکی از موتورهای اروپا بدل کرد.